



میزگرد بررسی نقش انگلستان در کودتا:

## رضاخان برای انگلستان چهره‌ای آزمون پس داده بود

در صدمین سالگرد کودتای رضاخان، میزگردی با حضور مرحوم علی اکبر رنجبر کرمانی و مجید تفرشی و کارشناسی محمد محبوبی در استودیوی نصر برگزار شد؛ اما به دلایل فنی پخش نگردید و در این فاصله، مهندس رنجبر کرمانی نیز بر اثر ابتلا به بیماری کرونا، از جمع ما رخت بربست و انتشار آن میزگرد را ندید. از آنجا که نکات حائز اهمیت در بیان نظرات حاضران در این نشست بیان شد که حاصل عمری مذاقه در ظرافت‌های تاریخی بود، حال که پخش تصویری آن مقدور نشد، انتشار متن آن خالی از لطف نیست.

مدرس معتقد بودند این قرارداد استقلال ایران را از بین می‌برد و کشور را درست در اختیار انگلستان می‌گذارد. همه ملیون و چهره‌های ملی ایران بلااستثنا و به شدت با این قرارداد مخالف بودند. کسانی با این قرارداد موافق بودند که آن موقع هم به انگلیسی بودن مشهور بودند. چهره‌های اول آن زمان نظیر وثوق الدوله، نصرت الدوله و صارم الدوله چهره‌های خوشنامی نیستند.

یکی یکی به بندهای قرارداد می‌پردازم. در جایی از قرارداد آمده است ما می‌خواهیم مالیه این کشور را سر و سامان دهیم. مستشار و کارشناس از انگلستان می‌آوریم و آنها مالیه ایران را سر و سامان می‌دهند. کمیسیون نظامی مشترک ترتیب می‌دهیم و ارتش ایران و قوای مسلح ایران را سر و سامان می‌دهیم. اینها در ظاهر چیزهای بدی نیست. ممکن است این سؤال را بکنید که آیا دل انگلستان به حال ایران سوخته بود و می‌خواست در راه رضای خدا موش بگیرد. مسلماً نه، شرایط جهانی آن روز و وضعیت ایران - که ایران دروازه هندوستان بود - طوری شده بود که وجود یک حکومت مرکزی مقتدر و سر و سامان پیدا کردن کشور به نفع انگلستان بود. چه اشکالی دارد که گاهی منافع استعمارگر و استعمارزده با هم فصل مشترک پیدا کند و یکسو و یک جهت شود؟ این قضیه زیاد پیش می‌آید و در کشورهای

نخست‌وزیری سیدضیاء است. نیز به قرارداد نفتی ۱۹۳۳ اشاره و ادعا می‌کنند که طی آن، نفت ایران از دست انگلستان خارج شد! یا شیخ خزعل، مهره شناخته شده انگلستان را رضاخان سرکوب و در تهران زندانی کرد و... جناب آقای کرمانی، به نظر شما رضاخان ضد انگلیسی بود یا نه؟

رنجبر کرمانی: سه نکته فرمودید: اولین مورد لغو قرارداد ۱۹۱۹ بود. قرارداد ۱۹۱۹ وقتی ملغی شد که عملاً آن قرارداد قابل اجرا نبود و پنبه‌اش در میان مردم و سیاسیون ایران زده شده بود. اصلاً یکی از دلایل کودتا، اجرا نشدن این قرارداد بود. شکست قرارداد باعث شد که انگلستان تغییر سیاست بدهد و مجرای جدیدی برای پیشبرد سیاست‌های خودش باز کند. به عقیده من، آن مجرای کودتا بود. پس قرارداد ۱۹۱۹ عملاً قبل از کودتا شکست خورده بود و نمی‌شد آن را اجرا کرد. جنبه‌های بد این قرارداد در قالب و شکل دیگری از طریق کودتا اجرا شد.

به نظر من پیرامون قرارداد ۱۹۱۹ منفی‌بافی‌های زیادی شده است. ممکن است اشخاصی باشند که نسبت به این قرارداد خیلی نظر منفی نداشته باشند و نکات مثبتی هم در آن ببینند. آنچه مسلم است در کلیت سیاسیون بزرگ و میرز آن روزگار از جمله شهید سیدحسن

محبوبی: صد سال از کودتای رضاخان می‌گذرد. در آن مقطع ایران و منطقه غرب آسیا در وضعیت پر آشوبی بود. جنگ جهانی اول به پایان رسیده بود و شوروی در حال تأسیس و تحکیم بنیان‌های خود بود. نظام روسیه تزاری و خاندان رومانف سرنگون شده بود. در روسیه، در شمال ایران، آشوب‌ها بین روس‌های سفید و بلشویک‌ها در جریان بود. در غرب ایران، امپراطوری عثمانی فروپاشیده بود. کشوری به نام عراق به دست انگلستان شکل گرفته و تحت الحمايه آن بود. کشورهای عربی یکی یکی در حال شکل‌گیری بودند. در شرق، ایران با هند انگلیس همسایه بود.

در چنین وضعیت مغشوش منطقه‌ای بود که کودتای ۱۲۹۹ در ایران به وقوع پیوست. بعضی‌ها می‌گویند این کودتا انگلیسی بود و برخی می‌گویند انگلیسی نبود. عده‌ای می‌گویند هیچ سند صریحی در باب اینکه این کودتا انگلیسی بود وجود ندارد. بعضی کارشناسان دیگر هم می‌گویند نباید دنبال چنین سندی گشت.

ادعایی که اخیراً بین برخی از تاریخ‌نگاران و شاید دانشگاهیان رواج پیدا کرده، این است که کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ اصولاً انگلیسی نبود و مهم‌تر اینکه رضاخان نه تنها چهره‌ای انگلیسی نبود، بلکه ضد انگلیسی هم بود. یکی از دلایلی که برای آن ذکر می‌کنند لغو قرارداد ۱۹۱۹ در زمان